

## نشست بررسی ابعاد شخصیتی علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی (ره)

آیت‌الله شیخ علی رضایی تهرانی

مجمع عالی حکمت اسلامی مشهد

۱۳۹۵/۰۸/۱۹ هجری شمسی

۱۴۳۸/۰۲/۰۹ هجری قمری

«أعوذُ بالله من الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛»

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَيْجَةِ الْعَالَمِ هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا

حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى

أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛»

«قَالَ الْحَكِيمُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ الْكَرِيمِ: يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو

الْأَلْبَابِ ۱.»

مرحوم علامه آیت‌الله حسینی طهرانی (ره) به تعبیر حوزه‌های علمیه، جامع المنقول و المعقول و المشهود بودند. یعنی هم در ساحت علوم درسی و هم در ساحت علوم وراثی، هم در ساحت علم و هم در ساحت عمل، از معدود انسانهای مقدم و «مُشَارٌ إِلَيْهِ بِالْبَنَانِ» {مورد توجه و عنایت} بودند.

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در پیام تسلیتی که به مناسبت ارتحال ایشان صادر فرمودند، دوازده صفت در تعریف و تمجید این شخصیت آوردند و من کمتر پیام تسلیتی را در نظر دارم که این‌طور جامع و با این‌گونه صفات، بیان شده باشد.

در آن پیام بر دو مطلب تصریح شده است؛ یک مطلب، اجتهاد مطلق این بزرگوار در فقه؛ دیگری کمال آن بزرگوار در عرفان می‌باشد؛ یعنی یک انسانی در دو ساحت علم و عمل به قله رسیده باشد، در ساحت علم به درجه اجتهاد و در ساحت عمل به مقام انسان کامل رسیده باشد.

پایان پیام نیز این عبارت است: «هَيْئَتُهُ أَعَدَّهُ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ»، با تعبیر «اولیا و صالحین» از ایشان تعبیر شده است ۲.

تقریباً دو روز بعد از ارتحال مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره)، در تهران، خدمت مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در آن جلسه‌ی نیمه عمومی که دارند، رسیدیم و به ایشان تسلیت عرض کردیم. خیلی برای بنده جالب بود، بلافاصله اشک در چشمان ایشان حلقه زد و جواب تسلیت ما را گفتند و مشخص بود بسیار متأثر هستند. بنابراین، آن کار لازمی که باید در معرفی ابعاد چنین شخصیتی صورت پذیرد، انجام نشده است. عوامل این کم‌کاری چیست و کجاست؟ بحث وسیعی می‌طلبد که در این مقام نمی‌گنجد. مجمع عالی حکمت اسلامی، شعبه مشهد به اعتبار اینکه به معرفی شخصیت‌های حکمی و عرفانی این منطقه، چه در میان گذشتگان و چه در میان افراد کنونی می‌پردازد، در ارتباط با این بزرگوار نیز که در حوزه خراسان تأثیری داشته که قابل انکار نیست، نشستی را با همراهی و همکاری بیت مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره) برگزار نموده است که قابل تقدیر است. از حضرت آیت‌الله حاج سید محمدصادق حسینی طهرانی (ره) که عنایت و همکاری نمودند تا خوشبختانه برای اولین بار سخنرانانی از درون بیت مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره) حضور داشته باشند کمال تشکر را دارم؛

سخنرانان محترم حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای حاج سید ابراهیم لواسانی داماد مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره) که بسیار به ایشان نزدیک بودند و این نزدیکی را خود ما شاهد بودیم و این بزرگوار در مورد شخصیت

ایشان نیز دست به قلم هستند و نکات فراوانی نوشتند که امیدواریم ان شاء الله به زودی شاهد طبع این نکات باشیم؛ حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد سیادت که ایشان هم داماد مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره) هستند و مورد عنایت و توجه مرحوم علامه بودند و باز این توجه را ما دیده بودیم. از این بزرگواران که قبول زحمت، بذل عنایت و قدم رنجه کردند برای افاده، تشکر داریم. این بزرگواران از بیت مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره) بودند و به اعتبار سیادت و انتساب بیشتر، مقدم ذکر شدند. نکاتی در زندگی مرحوم علامه حسینی فقط با حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمدرضا عصمتی امام جمعه فعلی شهرستان تربت حیدریه مطرح بوده است که سالیانی در خدمت ایشان شاگردی داشتند و مورد توجه و عنایت ایشان بودند.

مرحوم علامه حسینی طهرانی در مباحث علمی به هیچ وجه بسته نبودند، به این معنا که اگر نظری داشتند و این نظر مورد نقد قرار می گرفت و نقد، نقد متینی بود، چون اهل حق بودند به راحتی می پذیرفتند.

در یک روایت، واژه «عَلَّة» در کتاب امام شناسی آمده بود، ایشان معتقد بودند این واژه متعلق به عرب عرباء ۳ نیست و دخیل است. من خدمت ایشان عرض کردم که آقا این واژه در زبان عرب جاهلی هم آمده است، فرمودند: چه کتابی؟ عرض کردم: لسان العرب. گفتند: لسان العرب از چه کسی نقل نموده است؟ عرض کردم در شعری از عایشه نقل شده است ۴. فرمودند: عایشه فصیح بوده است. اگر این چنین است، این را بنویسید تا در طبع های بعد درست شود؛ بلافاصله پذیرفتند.

بر روی مبانی ایشان تأکید می شود معنایش این نیست که اگر کسی مرجع تقلید دیگری دارد یا از کس دیگری دارد تبعیت می کند، لزوماً باید از نظر ایشان پیروی کند یا ایشان خودش را فرا نقد بداند؛ خیر! هرگز این طور نبوده و نیست؛ لذا است که ایشان می رفتند در دل نقدها؛ مانند وقتی که دکتر سید یحیی یثربی مطالب ایشان را راجع به فنا نقد کردند، ایشان در کتاب الله شناسی، با تجلیل از آقای یثربی، به این مسئله پرداختند که: نظر ما در مورد فناء ذاتی بوده است و آنچه که ایشان تبیین می کند فناء صفاتی و اسمائی است.

## فهرست منابع

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۹.
۲. برای مطالعه متن پیام مقام معظم رهبری (حفظه الله) به پیوند <https://khl.ink/f/33693> مراجعه بفرمایید.
۳. عرب عاربه (عَرَب رِب) (اخ) نسب شناسان همه اقوام عرب را بدو شجره بزرگ تقسیم کرده اند: عرب های جنوبی (از یمن) و عرب های شمالی. عرب های یمن یا قحطانی که از یک شاخه اصلی یا یک شجره اند اعم از حمیری ها و سبائی ها و معینی ها و قتبانی ها و حضرموتی ها به اضافه بنوکهلان که عرب بائده نامیده شده اند و اکنون تنها نامی از آنها در زبانها هست عرب عاربه و همچنین طوائف و اقوام عاد ثمود، طسم، جدیس و عملاق و عرب های شمالی یا عدنانی عرب مستعربه اند یعنی اصلاً از نژاد عرب نبودند و در عرب مستهلک شدند. عرب شمالی را اسماعیلی، عدنانی، معدی نیز می نامند؛ لغت نامه دهخدا، کلمه عرب عاربه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. بدون تاریخ. لسان العرب. ۱۵ ج. بیروت - لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۱۱، ص ۴۷۱.